

# عیسی، کاهن وفادار



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** عبرانیان ۵: ۱ تا ۱۰؛ پیدایش ۱۴: ۱۸ تا ۲۰؛ اول پطرس ۲: ۹؛ عبرانیان ۷: ۱ تا ۳؛ عبرانیان ۷: ۱۱ تا ۱۶، ۲۲، ۲۶.

**آیه حفظی:** «در حقیقت این همان کاهنی است که ما به او نیاز داریم. کاهنی پاک، بی‌غرض، بی‌آلایش، دور از گناهکاران که به مقامی بالاتر از تمام آسمانها سرفراز گردید» (عبرانیان ۷: ۲۶).

فاصله ای که بین خدا و ما ایجاد شده بود بخاطر گناه بود. و نیز این مشکل پیچیده و چند جانبه که بخاطر گناه ایجاد گردیده بود دلالت بر فساد ذاتی ما داشت. خدا قدوس است و گناه نمی تواند در حضور او وجود داشته باشد؛ بنابراین، طبیعت گمراه و فاسد ما، ما را از خدا جدا کرد، همانطور که دو آهن ربا در جهت اشتباه یکدیگر را دفع می کنند. علاوه بر این، طبیعت گمراه انسان، اطاعت از احکام خدا را برای نوع بشر غیرممکن ساخت. گناه همچنین شبهه و بدگمانی ایجاد می کند. بشر بصیرت خود را از محبت و رحمت خدا از دست داد و چنین تصور کرد که خداوند اهل غضب و مطالبه گر است.

این هفته، ما قصد داریم تا کارهای شگفت انگیز پدر و پسر را برای ایجاد پلی بر روی این شکاف مطالعه کنیم. عبرانیان ۵ تا ۷ به تحلیلی دقیق از کهنات عیسی مسیح می پردازد. نویسنده منشا و هدف آنرا بررسی می کند (عبرانیان ۵: ۱ تا ۱۰) و سپس خوانندگان را ترغیب می کند که از آن غافل نشوند (عبرانیان ۵: ۱۱ تا ۶: ۸)، بلکه باید با اطمینان از امیدی که او می بخشد، محکم و استوار بمانیم (عبرانیان ۶: ۹ تا ۲۰). وی همچنین ویژگی های کهنات او (عبرانیان ۷: ۱ تا ۱۰) و پیامدهای آن در ارتباط بین خدا و ایمانداران را شرح می دهد (عبرانیان ۷: ۱۱ تا ۲۸). این هفته ما به بطور خاص بر روی عبرانیان ۵: ۱ تا ۱۰ و عبرانیان ۷: ۱ تا ۲۸ تمرکز خواهیم کرد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت ۱۶ بهمن - ۵ فوریه آماده شوید.

## کاهنی بخاطر بشر

عبرانیان ۵: ۱ تا ۱۰ را بخوانید. نقش کهنانت چیست، و طبق این آیه، چگونه عیسی این وظیفه را به انجام می‌رساند؟

هدف اصلی و اساسی از کهنانت لایوان، میانجیگری بین افراد گناهکار و خدا بود. کاهنان توسط خدا منصوب شدند تا بخاطر انسانها خدمت کنند؛ بنابراین، آنها باید رحیم و مهربان می‌بودند و نقاط ضعف انسانی را درک می‌کردند.

در عبرانیان ۵: ۵ تا ۱۰، پولس نشان می‌دهد که عیسی کاملاً این اهداف را برآورده می‌کند: خدا او را منصوب می‌کند (عبرانیان ۵: ۵، ۶)، و همچنین چون رنج و درد کشیده است، پس ما را درک می‌کند (عبرانیان ۵: ۷، ۸).

اگرچه، چند تفاوت مهم وجود دارد. عیسی مسیح «از میان آدمیان انتخاب» نشده بود (عبرانیان ۵: ۱). در عوض، عیسی ماهیت انسانی را بر خود گرفت تا در میان دیگر وظایفش به عنوان یک کاهن به خاطر ما خدمت کند. عیسی برای عفو گناهان خودش قربانی تقدیم نکرد (عبرانیان ۵: ۳) بلکه فقط برای گناهان ما بود، زیرا او بی‌گناه بود (عبرانیان ۴: ۱۵؛ عبرانیان ۷: ۲۶ تا ۲۸).

عبرانیان می‌گویند که عیسی «با فریادهای بلند و اشک‌ها به درگاه خدا که قادر به رهاشدنش از مرگ بود، دعا و استغاثه کرد و به خاطر تسلیمش به خدا مستجاب شد» (عبرانیان ۵: ۷). اشاره عبرانیان به مرگ دوم بود، که خداوند عیسی را پس از مرگ زنده کرد و نجات داد (عبرانیان ۱۳: ۲۰). عبرانیان همچنین می‌گویند که عیسی «هرچند پسر خدا بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت» (عبرانیان ۵: ۸). اطاعت برای عیسی امری تازه بود، نه به این دلیل که او نافرمانی کرده بود بلکه به این دلیل که او خدا بود. عیسی بعنوان حاکم جهان، از کسی اطاعت نکرد؛ در عوض، همه از او اطاعت کردند.

رنجهای مسیح و مرگ او بر روی صلیب نقش اصلی خدمت کاهنی اوست. رنج‌ها و مصیبت‌های عیسی باعث نشد که او از نظر رفتاری و اخلاقی به رشد رسیده و کمال یابد. رنج و مصیبت او را رحیم نساخت. برعکس، عیسی به این زمین آمد زیرا همیشه رحیم بود، به همین دلیل او به ما رحم کرد (عبرانیان ۲: ۱۷). منظور عبرانیان اینست که واقعیت محبت برادرانه عیسی، موثق بودن طبیعت بشری او، و تسلیم کامل بودن او در برابر اراده پدر به عنوان نماینده بشریت، از طریق تحمل رنج‌های او بود که در واقع ابراز و آشکار گردید. او به تمام معنا «کامل» بود و این رنج‌های او بود که او را شایسته کرد تا کاهن اعظم ما باشد. عیسی بعنوان کاهن اعظم ما، زندگی در کمال فرمانبرداری، و سپس مرگ بر روی صلیب که بنیان پیشکش قربانی بود را به حضور پدر تقدیم کرد.

اول پطرس ۲: ۹ می‌گوید که ما «یک کاهن سلطنتی» هستیم. زندگی عیسی در این مورد که رابطه شما با سایر انسانها باید به این دلیل باشد که ما در این نقش مقدس هستیم، چه چیزی به شما می‌گوید؟

## مطابق با رتبه مَلِكِصِدِيق

پیدایش باب ۱۴: ۱۸ تا ۲۰ و عبرانیان باب ۷: ۱ تا ۳ را بخوانید. ملکِصِدِيق کیست، و چگونه می توان او را مظهر عیسی دانست؟

ملکِصِدِيق هم پادشاه و هم کاهن بود. او همچنین برتر از ابراهیم بود از آنجا که به او [عشر] ده یک می پرداخت! به همین گونه، عیسی پادشاه و کاهن است (عبرانیان ۱: ۳)؛ با اینحال، برخلاف ملکِصِدِيق، عیسی بی گناه بود (عبرانیان ۷: ۲۶ تا ۲۸).

عبرانیان باب ۷: ۱۵ شرح می دهد که عیسی «همانند ملکِصِدِيق» کاهن بود. این همان چیزی است که قبلا در عبرانیان به معنی «کاهنی در رتبه ملکِصِدِيق» است (عبرانیان ۵: ۶). عیسی جانشین ملکِصِدِيق نبود، اما کهانت او مانند او بود.

به عنوان مثال، پولس می گوید که از پدر و مادر و شجره یا تولد و مرگ ملکِصِدِيق اطلاعات و نوشته ای در دست نیست. برخی اظهار داشته اند که ملکِصِدِيق تجسم عیسی در دوران ابراهیم بوده است. اما این تفکر در استدلال عبرانیان نمی گنجد. ملکِصِدِيق «شبییه» عیسی است، که بیانگر تفاوت او با عیسی می باشد (عبرانیان ۷: ۳).

همچنین گفته شده است که ملکِصِدِيق موجودی آسمانی بوده است، اما این می تواند استدلال موجود در عبرانیان را رد کند. اگر ملکِصِدِيق بدون پدر، مادر، آغاز و یا پایان باشد، بدین معنا خواهد بود که او خود می توانست خدا باشد. این موضوع مشکل ایجاد می کند. ملکِصِدِيق آسمانی و کاهن کاملا الهی می توانست مقدم و برتر از رسالت و خدمت عیسی باشد. اگر اینگونه می بود، همانطور که عبرانیان می گوید، «چه نیازی به ظهور کاهن دیگری بود؟» (عبرانیان ۷: ۱۱).

در عوض، عبرانیان از سکوت و بی اطلاعی کتاب مقدس در مورد تولد، مرگ، و شجره ملکِصِدِيق برای ایجاد گونه شناسی و سمبل خدمت کاهنی عیسی (پیدایش ۱۴: ۱۸ تا ۲۰) استفاده می کند و نشان می دهد که عیسی مسیح خود ابدی بوده است. بطور خلاصه، ملکِصِدِيق، یک پادشاه - کاهن کنعانی بود که به عنوان نمونه یا سایه ای از مسیح خدمت کرد.

«این مسیح بود که از طریق ملکِصِدِيق، کاهن خدای متعال صحبت کرد. ملکِصِدِيق مسیح نبود، اما او صدای خداوند در جهان، و نماینده پدر بود. و مسیح از طریق تمام نسل های گذشته با ما سخن گفته است؛ مسیح قوم خود را هدایت و رهبری کرده و نور جهان بوده است» (الن جی وایت، پیامهای برگزیده، جلد اول، ص. ۴۰۹).

مکاشفه چه چیزی را درباره ملکِصِدِيق و چگونگی کار خدا در میان کسانی که هرگز مُبَلغان بشری نداشته اند، به ما می آموزد؟

## یک کاهن نافذ

«اگر دستیابی به کمال، از طریق نظام کهناتی لایوان میسر بود (زیرا که قوم قوانینی را در خصوص آن دریافت کرده بودند) چه لزومی داشت کاهنی دیگر، نه از مرتبه هارون، بلکه از مرتبه ملکِیصدق ظهور کند؟» (عبرانیان ۷: ۱۱).

کاهنان واسطه های بین خدا و انسان ها هستند. با وجود این، عبرانیان می گوید که کاهنان لایوی نمی توانستند کاملا و با اطمینان و اعتماد به خداوند نزدیک شوند زیرا آنها نمی توانستند کمال و رستگاری را میسر سازند (عبرانیان ۷: ۱۱، ۱۸، ۱۹). به هرحال، آنها خود نیز کامل نبودند؛ بنابراین، چگونه می توانستند به نحوی کمال را به دیگران ارزانی کنند؟

همچنین، خون حیواناتی که قربانی می شدند نمی توانست باطن گناهکار را تطهیر کند. هدف از آنها اشاره به رسالت عیسی و قربانی [اینثارگری] او بود، که به تنهایی موجب تطهیر واقعی از گناه می شود (عبرانیان ۹: ۱۴؛ عبرانیان ۱۰: ۱ تا ۳، ۱۰ تا ۱۴). عملکرد کاهنان لایوی و قربانی های آنها موقتی و بعنوان یک الگو و نمونه بود. خدا از طریق خدمت آنها می خواست مردم را هدایت کند تا به رسالت عیسی در آینده ایمان بیاورند «این است آن بره خدا که گناه جهان را برمی دارد» (یوحنا ۱: ۲۹).

عبرانیان ۷: ۱۱ تا ۱۶ را بخوانید. چرا نیازی به تغییر احکام بود؟

عبرانیان ۷: ۱۲ توضیح می دهد که تغییر کهنات، تغییر در احکام را ضروری ساخت. چرا؟ زیرا شریعت [قانون] بسیار سختگیرانه ای وجود داشت که براساس آن اگر شخصی از دودمان لایوان و نسل هارون نبود، نمی توانست بعنوان کاهن خدمت کند (اعداد ۳: ۱۰؛ اعداد ۱۶: ۳۹، ۴۰). عبرانیان ۷: ۱۳، ۱۴ توضیح می دهد که عیسی از نسل یهوودا بود، و بنابراین، این قانون بخاطر این که از خاندان لایوان نبود او را از کهنات منع می کرد. بنابراین، پولس استدلال می کند که انتصاب عیسی بعنوان کاهن به این معناست که خداوند شریعت و قانون کهنات را تغییر داده است.

آمدن عیسی همچنین حاکی از تغییر در شریعت قربانی ها بود. گناهکاران مجبور بودند برای پرداخت کفاره گناهانشان انواع مختلف قربانی را پیشکش کنند (لایوان ۱ تا ۷)، اما اکنون عیسی آمده و قربانی کامل را تقدیم کرده است، پس در نتیجه عهد جدید و مکاشفه کامل نقشه نجات، شریعت قربانی کردن حیوانات نیز کنار گذاشته شده است (عبرانیان ۱۰: ۱۷، ۱۸).

به تعداد بی شماری از حیوانات قربانی شده در طول دوران کهن بیندیشید، که همه به عیسی اشاره داشتند، و با اینحال هیچیک از آنها — یا همه آنها- واقعا نمی توانستند کفاره گناهان ما را بپردازند. چرا فقط مرگ عیسی می توانست هزینه آنها را بپردازد؟

## کاهن ابدی

عبرانیان ۷: ۱۶ را بخوانید. بر چه اساسی عیسی کاهن شد؟

عیسی براساس برخورداری از یک زندگی فنا ناپذیر و به علت بر عهده داشتن یک رسالت ابدی به مقام کهنات منصوب شد. مضمون این حقایق بسیار شگفت انگیز است. این بدان معناست که خدمتی بالاتر و برتر از رسالت مسیح هرگز وجود نداشته است. عیسی به طور کامل، برای همیشه نجات دهنده است «زیرا او تا به ابد زنده است» (عبرانیان ۷: ۲۵). نجات و رستگاری که عیسی می بخشد، کامل و غایی است. او به اعماق روح و جنبه های طبیعت انسان دست می یابد (عبرانیان ۴: ۱۲؛ عبرانیان ۹: ۱۴؛ عبرانیان ۱۰: ۱ تا ۴). شفاعت عیسی در پیشگاه خداوند در برگیرنده همه مزایای در نظر گرفته شده تحت عهد و میثاق تازه است.

این همچنین چیزی خیلی بیشتر از آموزش گناهان است. این به معنای نقش بستن شریعت در قلبهای ما، خلقت و تولد دوباره ما در او، و در نتیجه انتشار انجیل در سراسر جهان است (عبرانیان ۸: ۱۰ تا ۱۲). او بعنوان کسی که با خدا بود و با انسان ها یکی شد، بعنوان نماینده ما، در برابر پدر می ایستد. عیسی بعنوان کسی که جان خود را بعنوان قربانی ارزانی کرد، مورد لطف و عنایت بی دریغ خداوند است.

عبرانیان ۷: ۲۲ را بخوانید. رابطه عیسی با عهد تازه چیست؟

عیسی تضمین کننده عهد تازه است زیرا خدا سوگند یاد کرد که عیسی برای «همیشه» کاهن خواهد بود (عبرانیان ۷: ۲۱). به راحتی می توان از درک اهمیت این سوگند غافل شد. پولس قبلا نیز به سوگندهایی که خداوند برای نسل بنی اسرائیل در بیابان و ابراهیم یاد کرده بود، اشاره کرده بود (عبرانیان ۳: ۷ تا ۱۱؛ عبرانیان ۶: ۱۳ تا ۱۵). تفاوت آن سوگندها با سوگندی که خداوند برای پسر خود خورد، اینست که آن سوگندها را برای انسان های فانی یاد کرده بود. آن قسم ها تا زمانی پابرجا و به قوت خود باقی بودند که ذینفعان آن زنده بودند. سوگند خداوند در برابر نسل صحرای سینا و ابراهیم تا زمانی که آنها زنده بودند، به قوت خود باقی و لازم الاجرا بود (غلاطیان ۳: ۲۹).

اما در مورد پسر، حیات او «فنا ناپذیر» است، سوگندی که خدا به او یاد می کند برای ابد و همیشه به قوت خود باقی خواهد ماند. شخصی که در مقام تضمین کننده یا ضامن فرد دیگری قرار می گیرد، متحمل همان مجازات فرد می شود از جمله مجازات فرد محکوم به اعدام. با اینحال، پدر برای اطمینان ما، عیسی را به عنوان تضمینی که او در عمل به وعده های خود قصور نخواهد کرد، قرار داد. به همین دلیل ما می توانیم به نجاتی که در عیسی به ما وعده داده شده است، اطمینان داشته باشیم.

## کاهنی بی گناه

عبرانیان باب ۷: ۲۶ را بخوانید. پنج ویژگی عیسی مسیح که در این آیات آمده، چه هستند؟

عیسی «مقدس» بود. این بدان معناست که عیسی در رابطه خود با خداوند بی گناه و عاری از هرگونه خطا بود (عبرانیان ۲: ۱۸؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ عبرانیان ۵: ۷، ۸). ترجمه یونانی قدیمی از عهد عتیق از همان اصطلاح یونانی برای مشخص کردن کسانی که رابطه عهد خود را با خدا و دیگران حفظ می کنند، استفاده می کند.

عیسی «مطهر» و عاری از هر گونه پلشتی بود. او علی رغم اینکه «از هر لحاظ وسوسه شد» ولی مرتکب گناهی نشد و ظاهر ماند و توسط شریر لمس نشد (عبرانیان ۴: ۱۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸). بی گناهی کامل عیسی برای انتصاب او به کهنات بسیار مهم بود. در عهد قدیم شرط شده بود که حیوانات قربانی شده باید «بدون هیچ نقصی» باشند تا مورد قبول و پذیرش خداوند واقع شوند (لاویان ۱: ۳، ۱۰؛ و غیره). اطاعت کامل عیسی در طول زندگی زمینی او این امکان را برای او فراهم کرد که بتواند خود را بعنوان یک قربانی قابل قبول و کامل به حضور خدا تقدیم کند (عبرانیان ۹: ۱۴).

عیسی هنگام صعود به آسمان «از گناهکاران جدا شد». فعل زمانی یونانی، نشان دهنده زمان حال برای عیسی مسیح است، که در یک نقطه خاص از زمان آغاز شده است. عیسی در طول زندگی زمینی خود دشمنی و خصومت گناهکاران را تحمل کرد، اما او پیروزمند از همه آزمون ها بیرون آمد و سپس در جانب راست خدا نشست (عبرانیان ۱۲: ۲، ۳). عیسی همچنین «از گناهکاران جدا شد» از این جهت که او کاملا بی گناه بود (عبرانیان ۴: ۱۵).

عظمت و شکوه عیسی «بالتر از آسمان ها بود». این بدان معنی است که عیسی برتر و والاتر از هر چیزی است که وجود دارد و بنابراین، او با خدا یکی است. در مزامیر، خدا کسی است که بالاتر از آسمانهاست (مزمور ۵۷: ۵، ۱۱؛ مزمور ۱۰۸: ۵).

عیسی بطور کامل انسان بود، اما او یک انسان گناهکار نبود، آنگونه که ما هستیم (عبرانیان ۲: ۱۴ تا ۱۶، عبرانیان ۴: ۱۵). عیسی کامل است، نه صرفا به این دلیل که او هرگز گناه نکرد، بلکه او همچون ما توسط گناه به گمراهی و فساد کشیده نشد.

با اینحال، چون او نیز بطور کامل انسان بود، الگویی برای ماست. او نشان می دهد که چگونه با استقامت در مسابقه ای که برای ما مقرر شده است، بدویم (عبرانیان ۱۲: ۱ تا ۴). او الگویی است که ما باید از او پیروی کنیم (اول پطرس ۲: ۲۱ تا ۲۳). زیرا که او کاهنی قدّوس، بی عیب، پاک، جدا از گناهکاران است (عبرانیان ۷: ۲۶)، او نجات دهنده ماست، و ما نیز می توانیم شخصیت او را منعکس کنیم.

اگرچه عیسی مانند ما یک انسان بود، اما هرگز گناه نکرد. چگونه می توانیم ذهنمان را معطوف این اندیشه شگفت انگیز کنیم؟ صرفا به این مسئله بیاندیشید، که قدوسیت او چگونه باید باشد!

پس چرا باید وعده دریافت قدوسیت او از طریق ایمان به ما کمک کند تا از رستگاری خود اطمینان حاصل کنیم؟

## جمعه

۱۵ بهمن

**تفکری فراتر:** « مسیح ما را تماشا می کند. او همه چیز را در مورد غصه ها، مسؤلیت ها، خطرات و مشکلات ما می داند؛ و او آماده است تا از ما دفاع کند. او همانگونه که در مورد پطرس انجام داد، برای نیاز هر جانی شفاعت می کند. ... وکیل مدافع ما کلامش پر از استدلال است تا به افراد آزموده و وسوسه شده خود پیامزد تا در برابر وسوسه های شیطان مقاومت کنند. او هر حرکت دشمن را تجزیه و تحلیل می کند. او وقایع را نظم و ترتیب می دهد» - الن جی وایت، کتاب مقدس تفسیری ادونتیست های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۳۱ (نامه ۹۰، سال ۱۹۰۶)

«این نقشه شیطان بود که میان خدا و انسان جدایی ابدی ایجاد کند. اما در مسیح ما با خدا متحد تر می شویم گویی که هرگز سقوط نکرده ایم. منجی با گرفتن طبیعت ما، خود را با گره ای که هرگز جدا نخواهد شد، به بشر پیوند زد. ... این تضمینی است مبنی بر اینکه خداوند به وعده هایش عمل خواهد کرد و کلام خدا محقق خواهد گردید. زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود.» خداوند ماهیت انسانی را پذیرفت و جامه بشری را بر پسر خویش پوشانید و او را به بالاترین مقام آسمان رسانید. این «پسر انسان» است که شریک تخت پادشاهی ملکوت است. کسی که نام او «عجیب، مشیر، خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد» (اشعیا ۹ آیه ۶). و مسیح، کسی که گفت، «من هستم» به عنوان واسطه میان انسان و خدا، دست خود را هم به سوی خدا و هم به سوی انسان دراز کرد. او که «قدوس، بی عیب، پاک و جدا از گناهکاران است، عار ندارد که ما را برادر بخواند» (عبرانیان ۷، ۶۲؛ ۲: ۱۱)، در مسیح، خانواده زمینی و خانواده آسمانی با یکدیگر مرتبط می شوند. مسیح جلال یافته برادر ماست.

ملکوت در بشریت تکریم و عزت یافت و بشر در آغوش محبت ازلی در بر گرفته شد» الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحات ۴۱، ۵۱.»

## سوالاتی برای بحث:

۱. اولین نقل قول بالا می گوید: «او [عیسی] کلامش را پر ساخته تا از ما دفاع کند». این وعده چه معنایی برای شما دارد؟ به آنچه که این امر در مورد محبت خدا به ما می آموزد، بیانید. چرا این ایده بسیار دلگرم کننده و امیدبخش است؟ چرا ما به شخصی نیاز داریم تا از طرف ما و برای ما دفاع کند؟

۲. نقل قول دوم می گوید: «اما در مسیح ما با خدا متحد تر می شویم گویی که هرگز سقوط نکرده ایم». این به چه معناست؟ چگونه می توانیم این اتحاد را تجربه کنیم، و چه آرامشی می توانیم از این تجربه بدست آوریم؟ در کلاس، بیان کنید که این اتحاد به چه معناست و تجربه آن چگونه است. چگونه «دفاعیات او بخاطر ما» به ما کمک می کند تا آنرا تجربه کنیم؟